

آموزش و پرورش

گفتگو با مهندس هادی عزیززاده، دبیرکل شورایعالی آموزش و پرورش*

□ لطفاً درباره‌ی وظایف شورای عالی آموزش و پرورش و نیز تاریخچه این شورا توضیح بدهید؟
■ شاید از حدود صد سال پیش در ایران این بحث مطرح بوده که با توجه به حساسیتی که امر تعلیم و تربیت دارد، نیاز است که مجموعه‌ی برنامه‌ها و مقرراتی که در زمینه‌ی مسائل تعلیم و تربیت وجود دارد به تأیید تعدادی از صاحب نظران و کارشناسان برسد. به همین خاطر انجمن معارف از سال ۱۳۰۱ به شکل قانونی شکل گرفت و با عنوان شورای عالی معارف کار خود را ادامه داد و این فعالیت تاکنون با نام شورای عالی آموزش و پرورش ادامه پیدا کرده است.

قانون شورای عالی آموزش و پرورش مصوب مجلس شورای اسلامی است. براساس این مصوبه تعداد اعضای شورای عالی آموزش و پرورش هفده نفر است که چهار نفر وزیر و نیز جمعی از صاحب نظران از قسمتهای مختلف و شورای عالی صنایع و... اعضای این شورا را تشکیل می‌دهند، که همه با حکم رئیس جمهوری و برای مدت چهار سال منصوب می‌شوند. با تغییر رئیس جمهوری یا وزیر آموزش و پرورش، این اعضا تغییر نمی‌کنند، مگر این که دوره چهارساله آنها به پایان برسد. اعضای شورا نیز یک نفر را از میان خودشان به عنوان رئیس شورا انتخاب می‌کنند که در حال حاضر آقای مظفر علاوه بر این که وزیر آموزش و پرورش هستند، رئیس شورا نیز

هستند. رئیس شورا با رأی مخفی تعیین می‌شود و می‌بایست دست کم دو سوم اعضا به رئیس شورا رأی بدهند. اگر در دوره اول دو سوم آراء احراز نشود، انتخابات در دوره دوم برگزار می‌شود. اگر در دور دوم هم رئیس شورا انتخاب نشد، او را با رأی اکثریت نسبی انتخاب می‌کنند. مهم‌ترین وظایف شورای عالی آموزش و پرورش، شامل تعیین خط مشی آموزش و پرورش، تعیین اهداف آموزش و پرورش و اهداف دوره‌های تحصیلی، تعیین نظام آموزشی (در بعضی مواقع با قید ارائه به مجلس)، بررسی طرح‌ها و لوایحی که به مجلس ارجاع می‌شود، تصویب برنامه‌های درسی مدارس، تصویب مقررات مورد نیاز مدارس و آیین‌نامه‌های اجرایی و امتحانی، بررسی طرح‌های توسعه در ارتباط با آموزش و پرورش، بررسی طرح‌های استفاده از مشارکت‌های مردمی، تصویب آیین‌نامه شوراهای محلی و منطقه‌ای و مدرسه‌ای در حوزه آموزش و پرورش، تصویب ترکیب و اعضا و وظایف شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای، انحلال شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها و... است.

شورای عالی آموزش و پرورش برای انجام دادن چنین وظایفی دارای یک دبیرخانه است که البته در قانون، «سازمان اداری شورای عالی آموزش و پرورش» نامیده می‌شود. این سازمان اداری که نام دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش را گرفته است، سازمانی است که با ردیف و بودجه مستقل فعالیت می‌کند. بودجه دبیرخانه هر سال به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد و به صورت یکی از سازمان‌های آموزش و پرورش فعالیت می‌کند. یعنی از نظر حقوق و اضافه کار و... وابسته به آموزش و پرورش نیست و به صورت مستقل عمل می‌کند. دبیرخانه دارای پست‌های محدودی است. در دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش بیش از سی نفر، شورای عالی آموزش و پرورش را پشتیبانی می‌کنند که در رأس آنها دبیرکل شورای عالی است. دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش نیز یکی از معاونان وزیر آموزش و پرورش محسوب می‌شود که به پیشنهاد وزیر و رأی اعتماد اعضای شورا انتخاب می‌شود.

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، دارای کمیسیون‌های تخصصی است. این کمیسیون‌ها شامل کمیسیون‌های برنامه‌های پرورشی فرهنگی، برنامه‌های درسی، مقررات تحصیلی، برنامه‌های توسعه و نیروی انسانی و مشارکت‌های مردمی است. در هر کمیسیون نیز حدود ۱۰ تا ۱۲ نفر عضو هستند. مدیران کل، نمایندگان معاونت‌ها، افراد صاحب نظر خارج از آموزش و پرورش و... از جمله کسانی هستند که عضو کمیسیون‌های دبیرخانه محسوب می‌شوند. البته ترکیب اعضای کمیسیون‌ها به

تناسب هر کمیسیون تفاوت دارد. در این کمیسیون‌ها، طرح‌های مختلف بررسی می‌شود و برای تصمیم‌گیری نهایی به شورای عالی آموزش و پرورش ارجاع می‌شود. در کنار این کمیسیون‌های تخصصی نیز تعدادی از کمیسیون‌های اجرایی مانند کمیسیون معین - که به جای شورا در بعضی از امور تصمیم‌گیری می‌کند و در واقع بازوی شورا محسوب می‌شود - کمیسیون ایثارگران و... فعالیت می‌کند.

□ در حال حاضر و در دوره فعلی اعضای شورای عالی آموزش و پرورش چه کسانی هستند؟

■ اعضای شورا شامل وزرای آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد سازندگی و علوم، تحقیقات و فن آوری است. همچنین دکتر توفیقی معاون آموزشی وزارت علوم، دکتر حداد عادل، دکتر اکرمی وزیر اسبق آموزش و پرورش، حجج اسلام سید علی اکبر حسینی و مصباحی به عنوان نماینده شورای نگهبان، دکتر ملکی رئیس تألیف کتب درسی، دکتر فانی معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش، مهندس رادینا نماینده وزارت کشاورزی، دکتر بنیانیان به عنوان نماینده شورای عالی صنایع، خانم طیب زاده و خانم ناظری مدیران مدرسه، دکتر رضوی نماینده بخش آموزش عالی و دکتر شریعتمداری رئیس فرهنگستان علوم است.

□ در آخرین جلسات شورای عالی آموزش و پرورش اهدافی برای دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و

متوسطه تدوین شده است، این اهداف چیست؟

■ این اهداف در راستای جهت دهی به رشد همه جانبه دانش آموزان بر پایه تعالیم و دستورات دین مبین اسلام تدوین شده است. این اهداف در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، علمی و آموزشی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی است.

در دوره ابتدایی در زمینه اعتقادی اهدافی چون «اصول دین را می‌داند و به آن معتقد است»، «خداوند را دوست دارد و او را بهترین یاور و کمک می‌داند»، «با زندگی انبیاء بویژه نبی اکرم (ص) و معصومین تا حدودی آشنا است و آنان را دوست دارد»، «افراد محرم و نامحرم را تشخیص می‌دهد و احکام مربوط به آن را رعایت می‌کند»، «معنای امر به معروف و نهی از منکر را می‌داند»، «زمان‌ها و مکان‌های مقدس و مهم را می‌شناسد» و... تدوین شده است.

در زمینه علمی و آموزشی اهدافی چون «نسبت به شناخت پدیده‌ها کنجکاو است»، «در فکر کردن، شنیدن، گفتن، بیان مقصود، خواندن و نوشتن و حساب کردن مهارت کافی دارد»، «با زبان فارسی آشنایی دارد و می‌تواند از کتاب و روزنامه استفاده کند»، «به اهمیت و ارزش اطلاعات و اطلاع

رسانی در زندگی آگاه است» و... تدوین شده است.

اهداف سیاسی دوره ابتدایی نیز شامل «نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌شناسد»، «به پرچم کشور احترام می‌گذارد و سرود ملی را از حفظ می‌خواند»، «با زندگی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آشنا است از او به بزرگی یاد می‌کند»، «اهمیت استقلال و آزادی را در پیشرفت جامعه درک می‌کند»، «به حکومت دینی و ولایت فقیه علاقه‌مند است»، «سران کفار و مشرکین معاند با اسلام را می‌شناسد و با اعمال آنها نسبت به پیامبر و مسلمین آشنا است»، «با مفهوم وحدت و امنیت ملی آشنا است»، «افراد عدالتخواه و حق طلب را دوست دارد» و...

اهداف اجتماعی دوره ابتدایی نیز شامل «وظایف خود را در مقابل خانواده، دوستان و همسایگان می‌داند»، «اعضای خانواده خود را دوست دارد و در انجام کارها به آنها کمک می‌کند»، «به معلمین و اولیای مدرسه احترام می‌گذارد»، «همکاری با دیگران را دوست دارد»، «در بازی و فعالیت‌های گروهی شرکت می‌کند»، «نظرات اصلاحی دیگران را در مورد خود می‌پذیرد»، «اشتباهات دیگران را با رعایت احترام به آنها تذکر می‌دهد»، «در برابر خدمت دیگران قدرشناس است و از آنها تشکر می‌کند»، «آداب سخن گفتن را رعایت می‌کند» و... است. در زمینه‌های مختلف نیز اهدافی برای مقاطع راهنمایی و متوسطه تدوین شده است.

یکی از بزرگترین مشکلات آموزش و پرورش کشور بحث روشن نبودن اهداف آموزش و پرورش بود. یعنی مشخص نبود که مثلاً در پایان دوره ابتدایی انتظار داریم که دانش آموز به کجا برسد. وقتی می‌خواهیم نقدی در این خصوص داشته باشیم، باید با توجه به اهداف آموزش و پرورش در مقاطع مختلف دست به نقد و بررسی بزنیم.

تدوین اهداف آموزش و پرورش از دو سال پیش در دستور کار ما قرار گرفت، مجموعه مطالعات قبلی جمع‌آوری شد، جلسات متعددی برگزار شد تا در نهایت توانستیم این اهداف را در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب برسانیم و ابلاغ کنیم. اگر به اهداف توجه شود می‌بینیم که بیشتر بحث پرورش شهروند در نظر گرفته شده است.

□ آیا در تدوین این اهداف، از تجربیات سایر کشورها نیز استفاده شده است؟

■ معمولاً در هر زمینه‌ای سعی می‌کنیم از منابع دیگر نیز استفاده کنیم. البته به این معنی نیست که در تهیه اهداف آموزش و پرورش حتماً کپی برداری کنیم. ولی دست کم باید از تجربیات سایر کشورها استفاده کنیم و آن مواردی که ضرورت دارد را در اهداف خودمان بگنجانیم. ضمن این که در تهیه این

اهداف، از کتابها و منابع مختلف و نیز اینترنت استفاده شده است تا براساس این اهداف، برنامه‌های مختلف مورد بازنگری قرار گیرد.

□ اگر چه بسیاری از اهدافی که برای آموزش و پرورش تدوین شده قابل اندازه‌گیری و برخی از آنها رفتاری است و حتی می‌توان میزان دستیابی دانش‌آموز به بسیاری از این اهداف را فهمید، ولی اندازه‌گیری دستیابی دانش‌آموز به برخی از اهداف تدوین شده نیز دشوار است. مثلاً این هدف که دانش‌آموز، معنای امر به معروف و نهی از منکر که برای دوره ابتدایی تدوین شده است را می‌داند، چگونه می‌توان محقق کرد. در صورتی که ممکن است بسیاری از افراد بزرگسال نیز معنای امر به معروف و نهی از منکر را ندانند. چرا در میان اهداف انسجام وجود ندارد و برخی از آنها قابل اندازه‌گیری نیست؟

■ اهدافی که تدوین شده است، اهداف رفتاری نیست. چون اگر رفتاری باشد، این اهداف بسیار ریزتر خواهد شد.

□ ولی بعضی از اهداف رفتاری است.

■ ممکن است بعضی از اهداف رفتاری باشد، ولی در مجموع این اهداف به صورت رفتاری تدوین نشده است و می‌توان گفت که این اهداف تفصیلی هستند. ولی اهداف رفتاری را برنامه‌ریزان درسی می‌بایست تعیین کنند و کار ما نیست. برنامه‌ریزان درسی می‌بایست اهداف کتاب‌های درسی و سرفصل درس‌ها را مشخص کنند و پس از این که در شورا تصویب شد، می‌توان مبنای تدوین کتاب‌های درسی را تعیین کرد. مسائلی چون بحث امر به معروف و نهی از منکر و اهدافی از این دست را در مقاطع مختلف داریم که هر کدام به تناسب سن و سال دانش‌آموزان تهیه شده است. یعنی این طور نیست که آن چیزی را که در ابتدایی می‌گوییم، مانند آن چیزی باشد که در دوره متوسطه می‌گوییم.

ضمن این که اهداف آموزش و پرورش را به معاونت‌های مختلف ابلاغ کرده‌ایم. این معاونت‌ها مأموریت پیدا می‌کنند تا در حوزه کاری خودشان به دنبال تحقق این اهداف باشند. ضمن این که بعضی از فعالیت‌های آنها نیاز به تصویب شورا دارد. مثلاً برنامه‌های درسی و جدول دروس می‌بایست بازنگری شود و در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شود. بعضی نیز جنبه اجرایی دارد، یعنی این که چگونه اهداف تعیین شده را محقق کنیم تصمیم‌گیرنده جنبه‌های اجرایی، ما نیستیم و به بخش‌های دیگر و حتی شورای مدرسه واگذار شده است.

□ به هر حال تحقق یافتن اهدافی که تدوین شده قطعاً بسیار با اهمیت است. ولی در نظر بگیرید که اهدافی که تدوین شده مانند «همکاری با دیگران را دوست دارد»، «اشتباهات دیگران را با رعایت

احترام به آنها تذکر دهد»، «در برابر خدمت دیگران قدرشناس باشد»، «به مقررات اجتماعی علاقه نشان دهد»، «با همکلاسی‌های خود دوست باشد» و... از جمله اهدافی است در محیط مدرسه و در تعامل مشترک دانش‌آموز با سایر همکلاسی‌ها، معلم و مدیر و... محقق می‌شود. ولی سیستم آموزشی ما طوری همه دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت را عادت داده است که دانش‌آموز در کلاس درس حاضر شود و به تدریس معلم از روی کتاب درسی گوش کند. یعنی اجازه چنین فعالیت‌ها و تعاملی را سیستم آموزشی ما نمی‌دهد. آیا شما معتقد به چنین مواردی در آموزش و پرورش نیستید؟

■ ما نیز عقیده داریم که چنین مواردی در آموزش و پرورش ما وجود دارد، ولی این اهدافی که برای آموزش و پرورش ما تدوین شده، منطبق با سیستم موجود آموزش و پرورش نوشته نشده است. بلکه می‌گوییم که این اهداف جدید ویژه دوره ابتدایی است و کلیه برنامه‌های دوره ابتدایی می‌بایست با این اهداف همسو شود. یعنی اگر برنامه‌های درسی ما به اهداف تعیین شده نمی‌رسد، می‌بایست براساس این اهداف اصلاح شود. اگر روش‌های کاری معلمان دارای اشکال است می‌بایست با این اهداف منطبق شود. اگر شیوه امتحانات ما اجازه تحقق این اهداف را نمی‌دهد، می‌بایست نحوه امتحانات تغییر کند. ما انتظار داریم که بر مبنای این اهداف خیلی چیزها زیر سؤال برود. ضمن این که عقیده داریم با این اهداف، بسیاری از امور آموزش و پرورش زیر سؤال می‌رود. الان اگر اهداف آموزش و پرورش را نگاه کنید و بعد کتاب‌های درسی را بررسی کنید، می‌بینید که بسیاری از مباحث کتاب‌های درسی هیچ ضرورتی ندارد که به دانش‌آموز یاد داده شود.

□ بنابراین می‌بایست کتاب‌های درسی تغییر کند؟

■ براساس این اهداف جدید می‌بایست کتاب‌های درسی نیز بازنگری شود.

□ اگر تغییر نکرد تکلیف چیست؟

■ باید اصلاح شود!

□ اهداف تعیین و ابلاغ شده، ولی کتاب‌ها تغییر نکرده است. اصلاح و بازنگری و تغییر این کتاب‌ها نیز به زمان نیاز دارد و می‌بایست کار کارشناسی در خصوص کتاب‌های درسی صورت پذیرد، بنابراین تغییر سریع امکان پذیر نیست. بنابراین اگر چه اهداف آموزش و پرورش تغییر کرده است، ولی سایر بخش‌ها و کل سیستم آموزش و پرورش مانند سابق عمل می‌کنند. آیا این وضعیت به این معنی نیست که هرکسی در آموزش و پرورش ساز خود را می‌زند؟

■ البته این موضوع یک نقص است و ما نیز به این نتیجه رسیده بودیم که چون اهداف کلی برای

آموزش و پرورش تدوین نشده است، هر کسی می‌توانست ساز خودش را بزند. ولی الان که هدف داریم می‌گوییم که مجموعه فعالیت‌ها می‌بایست همسو با اهداف آموزش و پرورش بشود. در بسیاری از قسمت‌ها نیز پیگیری می‌کنیم. مثلاً هر برنامه‌ای که سازمان پژوهش‌های آموزش و پرورش پیشنهاد بدهد، آن را با این اهداف انطباق می‌دهیم. اگر مطابقت داشت، تصویب می‌کنیم وگرنه آن را تصویب نخواهیم کرد. موارد زیادی در کتاب‌های درسی وجود دارد که زاید است و براساس این اهداف می‌بایست حذف شود. ضمن این که چیزهای زیادی نیز باید در کتاب‌های درسی وجود داشته باشد که نیست و همان شیوه‌کاری که گفتید یعنی معلم درس بدهد و دانش‌آموز گوش کند نیز، باید اصلاح شود. همچنین تکیه سیستم آموزشی بر ارزشیابی‌های پایانی می‌بایست کم رنگ شود و فعالیت‌های دانش‌آموز، مطالعه، کتابخوانی، کارگروهی، کنفرانس و... بهای بیشتری پیدا کند. روح این اهداف نیز، توسعه چنین فعالیت‌هایی است.

□ ولی علیرغم همه اظهارات جناب‌عالی، به نظر می‌رسد این اهداف زمینه اجرایی نداشته باشند...
■ به هر حال می‌بایست از جایی شروع کنیم. برخی از صاحب‌نظران انتقاد می‌کنند که باید به طور سیستمی به این مسایل نگاه کنیم و همه اجزا را با هم ببینیم. این حرف، اگر چه معقول است ولی واقعاً در چنین تغییراتی نمی‌توانیم همه موارد را با هر در نظر بگیریم، بلکه می‌بایست اولویت بندی کنیم و براساس اولویت‌ها عمل کنیم. چون نمی‌توانیم به طور همزمان اهداف، برنامه‌ها، مقررات و... را تغییر بدهیم و جامعه آمادگی همه این تغییرات را بطور همزمان ندارد و دچار شوک می‌شود. بنابراین باید به طور تدریجی تغییرات اعمال شود. از این رو، می‌بایست در یک برنامه مثلاً پنج ساله به دنبال تغییرات مورد نظر خودمان باشیم.

□ به نظر شما مفهوم «امنیت ملی» چیست؟

■ اگر بخواهید به طور جزئی وارد همه این مقولات بشوید که یک داستان می‌شود.
□ به هر حال شورای عالی آموزش و پرورش اهدافی را در زمینه‌های مختلف زیستی، اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی و اجتماعی و... تدوین کرده است. در زمینه اهداف سیاسی شما امنیت ملی را چگونه تعریف می‌کنید؟

■ لطفاً وارد این مقوله‌ها نشوید.

□ ولی در اهداف دوره ابتدایی آورده‌اید که دانش‌آموز با مفهوم وحدت و امنیت ملی آشنا است.
■ این موارد کار برنامه‌ریزان درسی است و آنها باید به صورت جزئی آن را تعریف کنند.

□ ولی چنین اهدافی براساس سلیقه‌های مختلف قابل تفسیر شدن است. به علاوه تعدادی از اهدافی که در زمینه‌های سیاسی تدوین شد، شاید به نوعی تفتیش عقاید محسوب شود؟

■ اصلاً این شیوه که بند به بند و مورد به مورد اهداف آموزش و پرورش را بررسی کنیم، ایراد دارد. چون ما باید این مفاهیم را به شورا ببریم و از آنها بخواهیم که مثلاً این مورد را تفسیر کند.

□ ببینید یکی از مشکلات همیشگی آموزش و پرورش به اعتقاد من این است که بخشنامه‌هایی صادر می‌کند که برخی از آنها به تعداد مدیران آموزش و پرورش قابل تفسیر شدن است. مانند بخشنامه‌هایی که برای پوشش دانش آموزان و رنگ لباس صادر شده است. به نظر می‌رسد که بعضی از اهدافی که برای آموزش و پرورش تدوین شده است، نیز دارای همین ویژگی باشد. یعنی به گونه‌های مختلف قابل تفسیر شدن باشد...

■ این مسائل اجتناب‌ناپذیر است. بک بخش از این مشکلات مربوط به سیاست‌زدگی همه مسایل است. بخشی نیز مربوط به اختیارات شورای مدرسه است. یعنی وقتی می‌گوییم که رنگ لباس دانش آموز چگونه باشد، در واقع اختیاراتی به شورای مدرسه داده‌ایم. به هر حال این مسئله بر می‌گردد به این که در مناطق مختلف جغرافیایی و با فرهنگ‌های مختلف می‌بایست چه تصمیم‌هایی توسط شورای مدرسه برای دانش آموزان اتخاذ شود. به هر حال ما نمی‌توانیم همه مسایل را به صورت ریز بیان کنیم که مثلاً موی سر دانش آموزان چقدر باشد؟ یا کفش آنها چگونه باشد؟ به همین خاطر نمی‌توانیم این مصوبات را به صورت ریز بیان کنیم.

□ نحوه نظارت شورای عالی آموزش و پرورش بر روی مصوبات شورا چگونه است؟

■ واحدی به نام واحد نظارت بر اجرای مصوبات به تازگی در شورای عالی آموزش و پرورش راه‌اندازی شده است که بر اجرای مصوبات نظارت می‌کند. همچنین واحد روابط عمومی و تبلیغات و انتظارات نیز بر اجرای مصوبات نظارت دارد. چون بسیاری از مصوبات ما به گوش مردم نمی‌رسد و بسیاری در جریان این مصوبات قرار نمی‌گیرند، این دو واحد به تازگی راه‌اندازی شده‌اند. از طریق واحد نظارت بر اجرای مصوبات سرانجام مصوبات را دنبال می‌کنیم. یعنی آن چه تصویب می‌کنیم، در اجرا چه می‌شود. چون مصوبات شورا براساس مصوبات مجلس، در حکم قانون است، بنابراین اگر خود مصوبه نقص داشته باشد، آن را اصلاح خواهیم کرد و اگر در اجرا نقص داشته باشد می‌بایست مسائل اجرایی آن را پیگیری کنیم. ولی باید بین مصوبات شورای عالی که طی بخشنامه به مدارس ابلاغ می‌شود و بخشنامه‌های دیگری که به مدارس فرستاده می‌شود، تفکیک قایل شد.

□ برخی از کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که کتب درسی از سوی افراد مختلف تدوین شود. این کار در قالب طرح واگذاری تألیف کتب درسی پیشنهاد شده است. نظر جنابعالی در این خصوص چیست؟

■ ما درباره این که کتب درسی چگونه تألیف می‌شود، بحثی نداریم، چون یک بحث اجرایی است. اگر نظر شخصی من را بخواهید به نظرم فکر خوبی است. یعنی به جای این که افراد یا ادارات خاصی کتاب‌های درسی را تألیف کنند نوشتن کتاب درسی آزاد اعلام شود. یعنی به نوشتن کتاب کاری نداشته باشیم، بلکه بحث تأیید کتاب را در نظر بگیریم. بنابراین نباید تأکید داشته باشیم که کتاب‌های درسی توسط آموزش و پرورش نوشته شود و یا حتی یک کتاب درسی داشته باشیم. هیچ اشکالی ندارد که مثلاً ده ناشر مختلف ده کتاب تاریخ برای یک مقطع منتشر کنند که مورد قبول مسئولان نیز باشد. معلم نیز اختیار داشته باشد که هر یک از این کتاب‌ها را که خواست تدریس کند. اگر چنین سیستمی به وجود آید، بحث رقابت در بهتر کردن کتاب‌ها، هم از لحاظ محتوا و هم از لحاظ شکلی به وجود خواهد آمد. ولی اگر کتب درسی حالت انحصاری پیدا کند طبیعی است که افت آموزشی هم پیدا می‌کند.

□ آیا امسال در آیین نامه اجرایی مدارس تغییراتی صورت می‌گیرد؟

■ حدود دو سال پیش بود که طی بررسی‌هایی که صورت دادیم متوجه شدیم که یکی از مشکلات مدیران مدرسه‌ها این است که آیین نامه اجرایی ندارند. بخشنامه‌های زیادی به دست مدیران مدرسه‌ها می‌رسید که بعضی از آنها بر مناقص و بعضاً گجج کننده بود. به همین خاطر تصمیم گرفتیم که آیین نامه‌ای داشته باشیم تا حدود اختیارات مدیران و نیز ارکان مدرسه مشخص شود. مثلاً مشخص شود که در چه اموری مدیر مدرسه و در چه اموری شورای مدرسه تصمیم‌گیرنده است. قرار شد براساس این آیین نامه مقررات قبلی ساده شود، در جهت تسهیل امور باشد، اختیارات مدرسه بیشتر شود و ارتباطات با ادارات کمتر شود (جز در موارد ضروری)، براساس این آیین نامه، چند صد صفحه از مقررات قبلی لغو شد و آیین نامه‌ای صد ماده‌ای در اختیار مدیران مدارس قرار گرفت. تصویب این آیین نامه، وقت زیادی را در شورا گرفته. به همین خاطر و به دلیل کمبود وقت و چون که کمیسیون مقررات و کمیسیون معین این آیین نامه را تصویب کرده بود، شورا اجازه داد تا آیین نامه به طور آزمایشی یک سال اجرا شود و نیازی به تصویب شورای عالی نبود. قرار شد در این یک سال، نظریات استان‌ها در باره آیین نامه اجرایی مدارس جمع‌آوری و اعمال و سپس در شورا به صورت قطعی تصویب شد. وقتی قطعی شد بحث سالانه در باره این آیین نامه مطرح نخواهد بود.

□ الان در چه مرحله‌ای هستید؟

■ در حال حاضر نظریات استان‌ها را درباره این آیین‌نامه بررسی و اعمال می‌کنیم تا در شورا مورد بحث و بررسی قرار گیرد. فکر می‌کنم تا یک ماه دیگر این آیین‌نامه به صورت اصلاح شده منتشر شود.

□ این آیین‌نامه چقدر تغییر خواهد کرد؟

■ تغییرات زیادی نخواهد داشت. البته نظریات متفاوتی رسیده است. برخی تلاش می‌کنند که مانند سابق نظارت بیشتری بر مدارس صورت گیرد، ارتباط مدارس با ادارات را بیشتر کنند و برخی از اختیاراتی که به مدرسه داده‌ایم، گرفته شود. ولی تلاش می‌شود تا اختیارات تازه‌ای که می‌توانیم به مدارس بدهیم، در این آیین‌نامه اضافه شود.

□ تحلیل شما از جلسات شورای معلمان و شورای دانش آموزی در یک سال گذشته چیست؟ آیا اصلاً

این جلسات برگزار شده است؟

■ معمولاً جلسات شورای معلمان برگزار می‌شود. چون شورای معلمان از قدمتی برخوردار است و جلسات آنها برگزار می‌شود.

□ دست کم دور هم جمع می‌شوند و اگر بحثی نشود یک چایی و شیرینی می‌خورند...

■ حداقل برگزاری جلسات شورای معلمان این است که یک گپی می‌زنند. ولی شورای دانش آموزان چون چیز جدیدی است، اگر چه در خیلی جاها اجرا شده است، ولی در بسیاری از مدارس نیز با توجه به سلیقه مدیر براساس آن چیزی که ما انتظار داشته‌ایم اجرا نشده است. در واقع برگزاری جلسات شورای دانش آموزی به سلیقه مدیران برمی‌گردد.

یعنی اگر مدیر مدرسه‌ای علاقه‌مند به برگزاری جلسات شورای دانش آموزی نبوده است، در مقابل برگزاری این جلسات مقاومت کرده است.

□ به هر حال اگر جلساتی هم برگزار شده بی نتیجه بوده است. چون ظاهراً اعضای شورای

دانش آموزی نمی‌دانند که چه کارهایی باید انجام دهند.

■ بله، ما در بعضی از مدارس که بررسی کرده‌ایم مشاهده کردیم که خود شورای دانش آموزی نمی‌داند چه وظایفی دارد. به همین خاطر به شدت علاقه داریم که آیین‌نامه اجرایی در تیراژ وسیع و حتی از طریق روزنامه‌ها به اطلاع عموم برسد. حتی معتقدم که هر خانواده‌ای می‌بایست یک جلد از این آیین‌نامه اجرایی را داشته باشد. چون از این طریق بسیاری از مشکلات آموزش و پرورش رفع می‌شود. مثلاً جریمه کردن براساس آیین‌نامه اجرایی مدارس خلاف قانون است و اگر خانواده‌ها نسبت به

مقررات آشنایی داشته باشند، می‌توانند چنین مواردی را پیگیری کنند. ولی ما تلاش می‌کنیم تا شوراهای مدارس را تقویت کنیم و اختیارات بیشتری به شوراها بدهیم. البته شورای مدرسه دارای اختیارات خوبی است، ولی بسیاری از مدیران از این موضوع آگاه نیستند. چون به سبک گذشته عادت کرده‌اند و حتی می‌ترسند که از اختیارات فعلی خودشان استفاده کنند. مثلاً بردن دانش‌آموزان به اردو، نیازی به اخذ مجوز ندارد، ولی باز هم مدیران مدارس به دنبال اخذ مجوز از ادارات هستند. برپایی کلاس‌های فوق برنامه نیازی به اخذ مجوز ندارد. با نظر شورای مدرسه می‌توانند جمعه‌ها نیز کلاس‌های مدرسه را دایر کنند و نیاز به اخذ مجوز نیست. به هر حال جا افتادن فعالیت‌های شورای مدرسه نیاز به زمان دارد. چون در بیست سال گذشته یک جور عادت کرده بودند و الآن باید به گونه‌ای دیگر عمل کنند.

□ آیا آماری از میزان ترک تحصیل، افت تحصیلی و مردودی دارید؟

■ در سال تحصیلی ۷۸-۷۷ نزدیک به یک میلیون و ۱۶۰ هزار دانش‌آموز در دوره ابتدایی و راهنمایی مردود شدند که ۸/۵ درصد دانش‌آموزان را شامل می‌شود. از این تعدادی که مردود شدند، نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر ترک تحصیل کردند. در مجموع ۲۵ درصد مردودین اقدام به ترک تحصیل کرده‌اند.

□ آیا آماری از دوره متوسطه دارید؟

■ چون سیستم آموزش و پرورش در دوره متوسطه واحدی است، آماری نداریم.

□ چرا آمار مردودین و ترک تحصیلی‌ها بالا است؟

■ از سال ۷۶ که آقای مظفر به عنوان وزیر آموزش و پرورش مشغول به کار شدند، مأموریتی برای بررسی وضعیت مردودین و ترک تحصیلی‌ها پیدا کردیم. طبق این بررسی‌ها، در سال ۷۶ تعداد مردودین حدود یک میلیون و ۴۳۰ هزار نفر بود. تعداد ترک تحصیلی‌ها نیز ۴۰۱ هزار نفر بود که ۲۸ درصد مردودین را شامل می‌شد. گزارش بر این مبنا به شورای عالی آموزش و پرورش دادیم و در نهایت قرار شد تا بررسی‌هایی صورت پذیرد و عوامل مردودی و ترک تحصیل مشخص شود و راه چاره‌ای اندیشیده شود. چند کار در این خصوص صورت داده‌ایم. بررسی‌هایی در باره آیین نامه امتحانات و شرایط قبولی و مردودی ۶۰ کشور جهان صورت دادیم. نتیجه بررسی‌ها این بود که اولاً آیین‌نامه امتحانات ما می‌بایست تغییر کند. چون آیین‌نامه امتحانات ما نسبت به سایر کشورها بسیار دشوار است.

بررسی نشان داد که دست کم در دوره ابتدایی و راهنمایی بسیاری از کشورها ارتقا به صورت خودکار و اتوماتیک صورت می‌گیرد. کشورهایی چون ژاپن، امریکا، کانادا، انگلیس و... از این دسته هستند. یعنی هر دانش آموزی براساس سن به کلاس بالاتر ارتقا پیدا می‌کند و چیزی به نام مردودی وجود ندارد. ولی برخی از کشورها نیز شرایط قبولی و مردودی داشته‌اند. ولی در این کشورها نیز معمولاً اصل بر قبولی است. یعنی دانش آموز می‌بایست به کلاس بالاتر برود، مگر این که حداقل‌های لازم را نداشته باشد. ولی آیین‌نامه امتحانات ما چنین ویژگی را ندارد. روح آیین‌نامه ما بر مردودی بنا نهاده شده است. در این آیین‌نامه آمده است که دانش آموز به شرطی به کلاس بالاتر می‌رود که... یعنی لحن عبارت در این آیین‌نامه مناسب نیست.

□ شرایطی چون نمرات دانش آموز کمتر از ده نباشد، نمرات سالانه در هیچ یک از مواد درسی کمتر از ۳۰ نباشد، معدل دانش آموز تقسیم بر سه برابر تعداد مواد درسی آن پایه باشد و... از شرایط قبولی و ارتقا به کلاس بالاتر است.

■ بله، پس روح آیین‌نامه‌های ما به صورتی است که اصل مردودی است. در کشور ما به نوعی تلاش می‌شود تا دانش آموز مردود شود. در حالی که در کشورهای دیگر تلاش می‌شود تا دانش آموزان قبول شوند و تنها در شرایط استثنایی مردود شود. بحث دیگر مربوط به سبک امتحانات است. تکیه بر امتحانات نهایی، هماهنگ و... سیستم آموزش را به سمت محفوظات می‌برد. یعنی اگر بگوییم که معلم درس بدهد و سپس در پایان سال امتحان بگیریم، یعنی به معلم اعتماد نداریم و بی‌اعتمادی به دیگران منتقل می‌شود. از طرف دیگر نیز به معلم می‌گوییم تنها کتاب‌های درسی را تدریس کند و کار دیگری انجام ندهد. در نتیجه فعالیت‌های جنبی، مطالعه، کتابخوانی و... حذف می‌شود و سیستم به سمت حفظ کردن کتاب‌های درسی می‌رود. ولی در نظام‌های جدید بحث کتاب درسی اصلاً مهم نیست، بلکه بحث علاقه‌مند کردن دانش آموز به کتاب است که اهمیت پیدا می‌کند. چون می‌دانند هر چیزی که الان درس بدهند، پس از ده سال مطالب جدیدی جای مسائل قبلی را می‌گیرد. پس باید دانش آموز طوری پرورش پیدا کند تا خود به رفع کمبودهایش بپردازد. در حالی که این مسائل با آیین‌نامه‌های ما جور در نمی‌آید. بنابر این، باید به سمتی برویم تا سهم امتحانات و ارزشیابی‌های پایانی را کم کنیم و حضور در کلاس و فعالیت‌های کلاسی و کارهایی از این دست را بیشتر کنیم. ولی امیدواریم که روزی برسد تا چیزی به نام امتحانات پایانی نداشته باشیم.

مشکل دیگر در سیستم آموزشی ما، بحث توجه بیش از حد به ایجاد رقابت در میان دانش آموزان

است. این موضوع تا آن جا پیش رفته است که حتی در کارنامه‌ها علاوه بر درج معدل و نمرات هر نلث امتحانی، نوشتن رتبه در کلاس و مدرسه نیز مد شده و حتی به سطح وزارتی نیز راه پیدا کرده بود. در این زمینه پیشنهاداتی به شورا ارائه شد که یکی از آنها ممنوعیت اعلام رتبه در کارنامه بود. اکنون نیز می‌بایست به این سمت برویم که مقیاس سنجش میزان یادگیری دانش آموزان نمره نباشد. نمره صفر یا بیست تنها برای سیستم‌هایی که تکیه آنها بر محفوظات است، مناسب خواهد بود. ولی اگر توجه به کتابخوانی، کنفرانس، کارگروهی و... باشد، نمی‌توان مانند سابق طبقه‌بندی کرد. حتی در بسیاری از کشورها شروع نمره از صفر نیست. مگر امکان دارد که دانش آموزی ۹ ماه در کلاس درس حاضر باشد و دست آخر صفر بگیرد. اگر در گوش این بچه پنبه هم باشد باز هم خیلی چیزها یاد می‌گیرد. باید به این سمت برویم که سبک نمره تغییر کند و حتی اگر نمره را نمی‌خواهیم حذف کنیم به شکل خوب یاد و عالی و شیوه‌های مختلف اعمال شود. از این طریق می‌توانیم ریشه ترک تحصیل را خشک کنیم. ریشه ترک تحصیل در کشور ما مردودی است. معمولاً کمتر دانش آموزی قبول شده باشد و ترک تحصیل کند. ولی وقتی مردود می‌شود تازه به فکر ترک تحصیل می‌افتد. پارسال ۳۰۰ هزار نفر از میان مردودین، ترک تحصیل کرده‌اند. بنابر این زمانی که کسی مردود نشود، ترک تحصیل نخواهد کرد. مورد دیگری که مورد تأکید ما است و آقای مظفر نیز آن را مورد توجه قرار داده‌اند. مسائل مربوط به اول دبستان است. در کمتر کشوری در اول دبستان بحث امتحان و نمره قبولی و مردودی مطرح می‌شود. اگر بپذیریم نمره و امتحان در پایه‌های دیگر دوره ابتدایی باشد، ولی در اول دبستان که کودکان متوجه امتحان و نمره نمی‌شوند. وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم که بسیاری از قوانین ما برای دانشگاه خوب است نه مدرسه‌ها. شرایط قبولی و مردودی برای سیستمی مناسب است که هدف آن خواندن و نوشتن و حساب کردن باشد.

ولی اهداف جدید آموزش و پرورش برای تنها خواندن و نوشتن و شرایط قبولی و مردودی تدوین نشده است. در گذشته‌های دور که هدف خواندن و نوشتن بود و ۹۰ درصد مردم نیز در خانه‌ها بودند، تنها ۱۰ درصد حق تحصیل داشتند. اگر از میان این ۱۰ درصد نیز کسی یا کسانی اخراج می‌شدند، باز هم هیچ مشکلی به وجود نمی‌آمد. کتاب‌های درسی هم معمولاً کلیله و دمنه، گلستان، بوستان و... بود. چون هدف چیز دیگری بود. الآن وقتی می‌گوییم که آموزش اجباری است، این مسأله بیشتر به دلیل منافع دولت‌ها است که اقتضا می‌کند تا کودکان درس بخوانند.

قبلاً منافع فردی عامل درس خواندن بود. در حالی که الآن دولت‌ها علاقه‌مندند تا همه کودکان و

نوجوانان درس بخوانند، نه این که تنها افراد نخبه درس بخوانند. هدف هم بیشتر تربیت شهروند است. بنابراین در حال حاضر، محتوای قبلی و امتحانات می‌بایست کنار برود و مسائل دیگری جایگزین آنها بشود. سیستم امتحانی ما متناسب با شرایط ۶۰ یا ۷۰ سال پیش است. ولی حال که اهداف تغییر کرده است می‌بایست نحوه ارزشیابی ما نیز متناسب با این اهداف تغییر کند.

□ طرح دو نوبتی شدن امتحانات مدارس که دو سال به صورت آزمایشی اجرا شده است، آیا امسال به صورت قطعی اجرا خواهد شد؟

■ مجموعه شواهد این است که نسبت به آیین‌نامه قبلی دست کم از جهت نظری محکم‌تر است. چون پشتوانه نظری محکم‌تری دارد. مهمترین ویژگی‌های آیین‌نامه فعلی توجه به فعالیت‌های کلاسی و منطبق شدن با اهداف جدید آموزش و پرورش و وزن امتحانات پایانی را کم کردن است. الآن اسم این آیین‌نامه شده است دو نوبتی ولی روح آن مسائل دیگری است. برای اولین بار می‌بینیم که در آخر آیین‌نامه جدول فعالیت‌های خارج از کلاس و کتاب‌های جنبی پیشنهاد شده است. به همین خاطر از لحاظ نظری پشتوانه محکمی دارد. از نظر اجرایی هم نتیجه کار به نتایج بررسی‌های پژوهشکده تعلیم و تربیت واگذار شده است که احتمالاً تا آخر مرداد طول می‌کشد. وقتی نتایج پژوهشکده اعلام شود در شورای عالی آموزش و پرورش تصمیم‌گیری قطعی صورت می‌گیرد.

□ نتیجه جلسات شورای عالی آموزش و پرورش در بعد اجرایی طرح دو نوبتی شدن امتحانات چه زمانی مشخص می‌شود؟

■ اگر نتیجه تحقیق پژوهشکده مرداد اعلام شود، نتیجه تصمیم شورا زودتر از شهریور معلوم نمی‌شود. ولی امیدواریم که زودتر به نتیجه نهایی نائل شویم.

□ از وقتی که در اختیار من گذاشتید، سپاسگزارم.